

مورخ ۲۳ آپریل ۱۹۱۲ در هوارد یونیورسیتی در (دارالفنون سیاهان) در واشنگتن: درباره ترک تعصب نژادی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ORIGINAL



AUDIO

مورخ ۲۳ آپریل ۱۹۱۲ در هوارد یونیورسیتی^۱ در (دارالفنون سیاهان) در واشنگتن: درباره ترک تعصب نژادی^۲

(خطابات جلد دوم، ص. ۳۹-۴۳)

هو الله

امروز من در نهایت سرورم، زیرا می بینم بندگان الهی در این مجمع حاضرند، سفید و سیاه با هم هم نشین اند. در پیش خدا سفید و سیاه نیست، جمیع رنگها رنگ واحد است و آن رنگ عبودیت الهی است. بو و رنگ حکمی ندارد، قلب حکم دارد. اگر قلب پاک است سفید یا سیاه هیچ لونی ضرر نرساند. خدا نظر به الوان ننماید، نظر به قلوب نماید. هر کس قلبش پاک تر، بهتر هر کس اخلاقش نیکوتر، خوشتر، هر کس توجهش به ملکوت ابهی بیشتر، پیش تر.

الوان در عالم وجود هیچ حکمی ندارد. ملاحظه نمائید در عالم جماد الوان سبب اختلاف نیست. در عالم نبات، الوان گلهای رنگارنگ سبب اختلاف نیست، بلکه الوان سبب زینت گلستان است، زیرا لون

¹ Howard University

² خطابه در هوارد یونیورسیتی (دارالفنون سیاهان) واشنگتن ۲۳ آپریل ۱۹۱۲ (صبح) 6 جمادی
(الاول ۱۳۳۰)

واحد زینتی ندارد اما وقتی که گلهای رنگا رنگ می بینی، آن وقت جلوه و زینت دارد. عالم بشر هم نیز نظیر بوستان است و نوع انسان مانند گلهای رنگا رنگ. پس رنگهای مختلف زینت است. همین طور در عالم حیوان الوان است کبوتران رنگارنگ اند، با وجود این در نهایت الفتند، هیچ وقت برنگ یکدیگر نگاه نمی کنند بلکه نگاه بنوع می کنند. چه بسیار کبوتران سفید با سیاه پرواز کنند، همین طور سائر طیور و حیوانات مختلف اللون ابدأً نظر به رنگ نمی کنند بلکه بنوع نظر دارند. حال ملاحظه کنید در حالتی که حیوان عقل ندارد، ادراک ندارد، با وجود این الوان سبب اختلاف نمی شود، چرا انسان که عاقل است اختلاف می کند؟ ابدأً سزاوار نیست، علی الخصوص سفید و سیاه از سلالة یک آدمند، از یک خاندانند در اصل یکی بوده اند یک رنگ بوده اند. حضرت آدم یک رنگ داشت، حوّا یک رنگ داشت، سلاله جمیع بشر به آنها میرسد پس اصل یکی است این الوان بعد به مناسبت آب و اقلیم پیدا شده ابدأً اهمیت ندارد.

لذا من امروز بسیار مسرورم که سفید و سیاه در این محفل با هم مجتمع شده اند. امیدوارم این اجتماع و الفت به درجه ای برسد که مابین امتیاز نماند و با هم در نهایت الفت و محبت باشند. ولی می خواهم مطلبی بگویم تا سیاهان ممنون سفیدان شوند و سفیدها مهربان به سیاهان گردند. شما اگر به افریقا بروید، سیاه های افریقا را ببینید آن وقت می دانید که شما چه قدر ترقی کرده اید. الحمد لله شما مثل سفیدانید، امتیاز چندانی در میان نیست، اما سیاه های افریقا به منزله خدمه هستند. اول اعلان حرّیتی که برای سیاه ها شد، از سفیدان آمریکا بود چه محاربه و جانفشانی کردند تا سیاه ها را نجات دادند و بعد سرایت به جاهای دیگر کرد. سیاهان آفریک در نهایت اسارت بودند ولی نجات شما سبب شد که آنها نیز نجات یافتند. یعنی دول اروپا اقتدا به امریکائی ها کردند آن بود که اعلان حرّیت عمومی شد. به جهت شما سفیدان آمریکا چنین همّت نمودند اگر این همّت نمی بود این حرّیت عمومی اعلان نمی شد. پس شما باید بسیار ممنون سفیدان آمریکا باشید و سفیدان باید بسیار به شما مهربان گردند تا در مراتب انسانی ترقی نمائید و به اتفاق کوشش نمائید تا شما نیز ترقی فوق العاده نمائید و با هم امتزاج تام یابید. مختصر این است شما باید بسیار اظهار ممنونیت از سفیدان نمائید که سبب آزادی شما در آمریکا شدند، اگر شما آزاد نمی شدید سایر سیاه ها هم نجات نمی یافتند الحمد لله حال همه آزادند و بکلی در راحت و آسایش.

من دعا می کنم که در حسن اخلاق و اطوار به درجه ای ترقی کنید که اسم سیاه و سفید نماند. جمیع را عنوان انسان باشد، مثل این که جوق کبوتر را عنوان کبوتر است؛ سیاه و سفید گفته نمی شود و همچنین سایر طیور. من امیدوارم که شما به چنین درجه ای رسید و این ممکن نیست، مگر به محبت. باید

بکوشید تا در میان شما ها محبت حاصل شود و این محبت حاصل نمی شود، مگر این که شما ممنون سفیدان باشید و سفیدان مهربان به شما و در ترقی شما بکوشند و در عزت شما سعی نمایند این سبب محبت می شود، به کلی اختلاف بین سیاه و سفید زائل می گردد، بلکه اختلاف جنس و اختلاف وطن همه از میان می رود.

من خیلی از ملاقات شما مسرورم و خدا را شکر میکنم که این محفل شامل سیاه و سفید است و هر دو با کمال محبت و الفت مجتمع. امیدوارم این نمونه الفت و محبت کلی شود تا عنوانی جز عنوان انسان در میان نماند این عنوان کمال عالم انسانی است، سبب عزت ابدی است، سبب سعادت بشری است. لهذا من در باره شما دعا میکنم که با هم در نهایت الفت و محبت باشید و در راحت یکدیگر نهایت سعی و کوشش نمائید.

